

۱۴۱ - ای کنیزان یزدان ملاحظه کنید که فضل و عنایت جمال قدم چه کرده و مواهب اسم اعظم چه نموده بانوهای اعظم عالم آرزوی کنیزی بنده ئی از بندگانش مینمودند و محروم شدند و مایوس گشتند و شما را بکنیزی خودش مخصص داشت و در ظل عنایتش مأوی داد و باستانش نسبت بخشید پس شب و روز را چون یوم نوروز بشادی و طرب و جذب و وله بگذرانید که چنین تاجی بر سر نهادید و چنین طوقی در گردن کردید چنین قمیصی در بر نمودید و چنین خاتمی در خنصر کردید بشری لکن من هذا الفضل العظیم یا اماء الرحمن